

هرچه به زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷فراتر نزدیک می شویم، مسایل و مشکلات احزاب و شخصیت‌های سیاسی این کشور نمود بیشتری پیدا می کند.

به گزارش ایرنا یکی از مسایلی که از یکی دو سال پیش در رسانه‌های فرانسه بازتاب یافته و نظر تحلیلگران سیاسی را به خود جلب کرده، وضعیت کنونی احزاب سیاسی و مسایل درونی آنان است. بر اساس اخبار منتشره و تحلیل‌های موجود یکی از مهم‌ترین مسایلی که احزاب بزرگ راست و چپ این کشور با آن روبه رو هستند، مساله غیبت شهروندان در انتخابات است، مساله‌ای که در هر انتخابات ابعاد رسانه‌ای گسترده پیدا کرده و مسوولان امر از دولتی گرفته تا حزبی، نسبت به آن هشدار می دهند.

در حقیقت دموکراسی نه فقط آرای ریخته شده به صندوق که میزان کمی و کیفیت آن نیز هست. بر خلاف عقیده برخی صاحبزنان سیاسی که همان آرای خارج شده از صندوق را برای تحقق یک انتخابات دموکراتیک کافی می دانند، بسیاری از ناظران و صاحب نظران سیاسی بر این تصورند که میزان کم آرای ریخته شده هر چند که تکلیف برنده انتخابات را روشن می‌کند، نمی‌تواند برای مشروعیت یک انتخابات و برندهٔ آن کافی باشد.

«کیفیت» احزاب درانتخابات به یکی از مشکلات اساسی انتخاباتهای فرانسه در هر دولتی بدل شده است و تحلیلگران هربراه پیشنهادهایی برای افزایش میزان مشارکت مردم درانتخابات و فعال کردن هواداران احزاب می دهند.

یکی از مسایل اساسی احزاب فرانسه سال‌های اخیر که بی‌ارتباط با مساله غیبت انتخاباتی نیست، مساله عضوگیری احزاب است.

این مساله که در حقیقت رگ حیاتی هر حزب سیاسی در فرانسه است، گاه به دلیل بی‌اعتنایی مردم به امور سیاسی، خود به معضلی جدید بدل می شود.

این مساله از آن حیث اساسی است که هر حزب سیاسی بسته به تعداد اعضای خود و میزان آن می‌تواند در هر انتخابات برداشت کند از یا امکانات و بودجه دولتی برخوردار می‌شود و می‌تواند راه را برای دستیابی به قدرت هموار سازد.

کاهش میزان کمی مشارکت هر حزب در امور، به معنی کاهش هواداران و به تعبیر دیگر به معنای کاهش میزان محبوبیت اجتماعی و یا مقبولیت آنهاست.

از این روی رهبران احزاب سیاسی همواره تلاش می‌کنند تا با فعال کردن هواداران و تحریک آنان به فعالیت سیاسی، آنان را وارد فضایی کنند که می‌تواند حزب را در نظر گاه عمومی اعتلا بخشیده و به آن جایگاهی مناسب بر دهد.

صحنه مشارکت سیاسی در فرانسه و دیگر کشورهای اروپای غربی دیدنی است، مردم می‌دانند که برای دفاع از سرنوشت خود باید به عضویت حزب درآیند، این فقط حزب و برنامه‌های ارابه شده آن است که می‌تواند آرمان هر فرانسوی را در انتخابات محقق کند.

از همین روی همه نیک می‌دانند که عدم مشارکت حزبی به این معنا است که سرنوشت کشور را به دست افرادی سپارند که در انتخاب آنها هیچ نقشی نداشته و یا از ابزار نظارت بر آنها خود را محروم سازند.

هر حزب نیز در زمان بیرون بودن از دایره قدرت، کمیته‌های مربوط به خود یا دولت را در سایه خود دارد و اعضای هر حزب به ویژه احزاب فرآگیر می‌دانند که در زمان مناسب با ابتگاه‌های اجرایی آینده کشور و مسوولان آن در دستاورد خواهند بود.

حزب سوسیالیست فرانسه با همین تمایل

چاش‌های احزاب در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه

رقابت تنگاتنگ سارکوزی و روابال



عمومی فقط در عرض یک ماه توانسته بود ۶۰هزار عضو را جذب و برای آنان کارت عضویت صادر کند. این افراد تازه وارد نیز هر یک با شش ماه حضور و سابقه در حزب می‌توانند در رای‌گیری‌های درون حزبی شرکت کرده و با انتخاب فرد منتخب برای انتخابات ریاست جمهوری بطور عملی تأثیر خود را بر جهت‌گیری احزاب بگذارند.

چپ‌ها در حزب سوسیالیست، امروزه می‌دانند که نباید به راست‌ها اجازه پیش از این (دوازده سال) قدرت اجرایی کشور را در دست داشته باشند.

به ویژه همه جهت‌گیری‌ها امروز در این حزب برای ممانعت از قدرت‌گیری «نیکولا سارکوزی» رییس حزب حاکم فرانسه«یو. ام. پ» است که از نظر آنان خشن‌ترین آدمی است که ممکن است آرمان‌های سوسیالیست‌ها را پیش از این برپاد دهد. هر یک از اعضا، خود در برگزاری نشست‌های منطقه‌ای، چسباندن تراکت‌ها و اعلامیه‌های حزبی و تبلیغاتی و سایر فعالیت‌های حزبی مشارکت می‌کنند.

سوسیالیست‌های فرانسه امروز به همین دلیل وضعیت خوبی در عضوگیری دارند و از بیلان کاری انتقاد آمیز راست‌ها کمال استفاده را کرده و مردم را برای یک جهت‌گیری ضد راست آماده می‌سازند.

در مناطقی از فرانسه که بطور سنتی به یک حزب تعلق دارند تلاش حزب مخالف در عضوگیری افزایش یافته و آنان سعی دارند تا قدرت منطقه‌ای از دست رقیب بریایند، تصرف شهرداری‌ها یکی از مهمترین اهدافی است که هر حزب در سر دارد.

در درون حزب سوسیالیست شخصیت‌های

متعددی آماده نامزدی انتخابات ریاست جمهوری هستند، «دومینیک استروس کان»، «لوران فابیوس»، «لیونل ژوسپن»، «فرانسوا اولاند» رهبر این حزب و خانم «سگولن روابال» همسر او مطرح‌ترین نامزد کنونی هستند که هر یک طرفداران خود را دارند.

وقتی نقاب هواخواهان دموکراسی کنار می‌رود

دموکراسی خواهی یا جنگ طلبی



تلاش‌های آمریکا برای برپایی امپراطوری‌های نظامی و سیاسی در جهان حکایت از ضعف درونی این کشور دارد و دال بر قدرتمند بودن این کشور نیست و آمریکا بر خلاف اعتقاد بسیاری از تحلیلگران کاخ سفید مرحله رو به صعود را طی نمی‌کند بلکه این کشور در شیب سقوط قرار گرفته است

کاخ سفید در دهه اخیر را از ارزیابی می‌کنند. در این نظریه ارزیابی سیاست‌گذارهای آمریکا به گونه‌ای مشابه با نظریه پردازی تود اما باروایزای دیگر انجام گرفته است. در این نظریه آمده است: زمانی که آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ جنگ جهانی خود با تروریسم را آغاز کرد در واقع در انتظار چنین فرصتی بود به طوری که سردمداران کاخ سفید حادثه ۱۱ سپتامبر را به عنوان یک فاجعه نقلی نگروند بلکه از این حادثه تلخ به عنوان یک فرصت تاریخی مناسب جهت تحقق اهداف دیرینه خود استفاده کردند و دوم آنکه زمانی که آمریکا عراق را به بهانه اینکه تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا است، هدف خود قرار داد در واقع درصدد آن بود که با این ادله ناقص استراتژی سردی خود در جهان را به مرحله عملی گذارد.
«

بین الملل

چاش‌های احزاب در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه



با اهداف مشترک حزبی ارابه می‌دهند و هواداران خود را بیش از پیش به مشارکت در امر انتخابات فرا می‌خوانند. گرایش‌های رهبران حزبی در هر استان نیز مهم است و هر نامزد سوسیالیست‌ها که در هر یک از استان‌ها طرفدارانی دارد، می‌تواند با نزدیکی دوباره به آن استان فشار به مجمع عمومی حزب را برای طرح خود افزایش داده و حزب را در نتیجه‌گیری برای معرفی نامزد واحد نزدیک سازد.

نطق‌های نامزدها حساب شده است و با توجه به حساسیت‌های هر حزب برنامه‌های نامزدها را تبیین می‌کند. در برخی موارد چون نطق روابال که در ماه‌های اخیر جنجال برانگیز بود، می‌توان تاکتیک‌های منظمی را نیز مشاهده کرد، گرچه همیشه این مواضع نوظهور نمی‌تواند همه به ویژه رهبران حزب را راضی کند.

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به همه شخص‌های مسجود روابال در صدر است و هواداران شهرستانی نیز برای اشتقاق هوای تازه از نامزدهای شناخته شده تر و یا کهنه کار کمی فاصله گرفته و به سوی چهره‌ای جدیدتر چون روابال می‌شتابند.

محورهای نطق وی از معنای تعهد سیاسی گرفته تا نبرد سخت جنبش کارگری، مبارزه برای حقوق زنان، تغییرات جدید و تعهدات نو سیاسی، انسان را یاد مبارزات حزبی و انتخاباتی پلر در انگلستان می‌اندازد، مبارزه‌ای که باید هرچه زودتر به مشاهده منافع سیاسی آن توسط مردم ختم شود.

مدیریت استانی پوتوتشارانت در سال‌های اخیر داشته و نیز در تحولات استانی بیشترین قدرت مانور را به روابال فرصت داده تا از نزدیک با مردم تماس خود را به نمایش گذارد. این استان پایگاه حزبی ژان پیر رافرن نخست وزیر سابق نیز هست.

بهره‌گیری از اینترنت یکی از راهکارهای موثر برای احزاب سیاسی است و هر حزب سعی می‌کند تا با استفاده از ابزار نوین انتخاباتی از شیوه‌های

سه شنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۵ - ۱۱ جولای ۲۰۰۶ - شماره ۵۰۷۹

حزب مبارزه کارگری به رهبری خانم «آرلت لاکیه» در ابعاد کوچکتر مشغول همین مبارزه‌اند. نامزدهایی که از این گرایش تا کنون به صحنه آمده‌اند چون لاکیه، پزانسونو، ژوزه بویه، ژرژ بوفه، فرانسین باوه، که جناح کمونیست، تروتسکیست‌ها را نمایندگی می‌کنند همچنان مشغول طرح شعارهای ضد لیبرال هستند.

رویدادهای بین‌المللی در زمینه جهانی سازی، حرکت فوق لیبرال دولت راست حاکم در دفاع از سرمایه داری و مسایل درونی اتحادیه اروپا بهانه‌های انتخاباتی آنها را کامل کرده و برای هواداران آنها شعارهای جذاب می‌سازد.

به علاوه چپ‌ها از شکست راست‌ها در جریان referendum قانون اساسی کمال بهره برداری را در بسج کردن هواداران خود می‌کنند و امیدوارند بتوانند این تجربه را در انتخابات ریاست جمهوری نیز تکرار کنند.

شکست راست‌ها البته به همین مورد محدود نمی‌شود، در دست داشتن قدرت اجرایی توسط راست‌ها این امکان را به چپ‌ها داده است تا با دقت هرچه بیشتر دولت راست را زیر ذره بین گذاشته و مشکلات آن را برای مردم برجسته سازند.

تلاش ماه‌های اخیر «ژاک شیراک» رییس جمهوری فرانسه برای ایجاد وحدت ملی بین سران حزبی و ملی این کشور تاکنون ناموفق بوده است. شکست‌های مداوم راست‌های فرانسه که اکنون قدرت را در دولت در دست دارند و پرونده بانک «کلی پراستریم» آنان را تا آستانه شکست در انتخابات آینده این کشور پیش برده است.

این مسایل و نیز اختلاف در میان رهبری راست و نیروی نوظهور سارکوزی خود بر بحران راست‌ها افزوده است.

تجربه نشان می‌دهد که مردم فرانسه از چهره‌های تکراری می‌گریزند، خاطره «شارل دوگل» قهرمان ملی این کشور هنوز از یاد رفته که با همه زحمات و فداکاری‌های فراوانی که کرده، مردم این کشور چگونیه او را بدرقه کردند.

سارکوزی وزیر کشور و رییس حزب حاکم فرانسه می‌کوشد با جوانگرایی، چهره‌ای نو از راست‌ها نشان دهد لدر در این زمینه چپ‌ها بیشتر از راست حاکم توانسته‌اند هواداران جدید برای خود پیدا کنند.

راست‌ها هم نیز که از زمان انتخابات شهرداری پاریس در ماه‌های گذشته وارد فضای جدی انتخاباتی شده‌اند، با تشویق هواداران و اعضا به رقابتی وسیع و گسترده با احزاب مخالف خود دست زده‌ اند.

بحث بر سر افزایش آرا و جلب اعضای جدید بدین احزاب فرانسه به جلب خارجیان نیز تسری پیدا کرده است.

سارکوزی و حزب حامی وی می‌خواهند با اقامت دهساله) این انتخابات را هرچه بیشتر باشکوه کرده و تعداد بیشتری را به پای صندوق‌های رای بکشانند ولی از سوی دیگر بحرانی که امروزه در مورد اخراج جرجیان مهاجر در فرانسه در گرفته است، راست فرانسه را تهدید می‌کند.

سوسیالیست‌ها از همین بهانه استفاده کرده و با یک حمایت سیاسی از مهاجرین و اتباع خارجی مقیم فرانسه در حال اخراج و شواراندن مردم عربی راست‌ها در حال استفاده از همین شعار سارکوزی بوده و تلاش می‌کنند تا تناقض شعارهای سارکوزی و حزب راست را به مردم نشان دهند. هنوز معلوم نیست شعاری که سارکوزی برای افزایش آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات با قانونی کردن حق رای خارجیان بر داده و بحرانی که امروز علیه او راه افتاده بتواند نتیجه خوبی به بار آورد.



چین چهارمین قدرت اقتصادی جهان

جدا شدن از محور اقتصاد چین، ضربات جدی را به ساختار اقتصادی آن کشورها نیز وارد می‌آورد.

آمریکا، ژاپن و آلمان هنوز اولین و دومین و سومین قدرت اقتصادی جهان هستند، اما معلوم نیست که حفظ این جایگاه برای هر یک از این قدرت‌ها در قبال توسعه اقتصادی

اقتصادی چین هنوز به‌لحاظ کمی مد نظر است و البته از نظر کیفی فاصله زیادی بین چین و قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان وجود دارد. با این حال این کشور با جذب فناوری‌های پیشرفته و تشویق موسسات خود به سرمایه‌گذاری در خارج و جلب شرکت‌های بزرگ چند ملیتی، سعی دارد بتدریج زمینه‌های توسعه

کیفی محصولات خود را نیز فراهم کند. حفظ رشد اقتصادی چین به میزانی بیشتر از هشت درصد در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که این کشور پشتوانه و ساختار اقتصادی بسیار مستدتری ایجاد کرده است، که قدرت مقابله با بحران‌هایی چون بحران مالی آسیا، بیماری سارس و شیوع بیماری آفلوئانزای مرغی را دارد. از بزرگترین معضل‌های چین تأمین انرژی برای رشد اقتصادی پایدار این کشور است که برای این منظور چین برنامه صرفه‌جویی در انرژی، امضای قراردادهای نفتی با کشورهای آفریقایی، خاورمیانه و برخی کشورهای منطقه اقیانوس آرام را در دستور کار قرار داده است.

رشد سریع اقتصاد چین پس از اجرای سیاست اصلاحات ودرهای باز در حدود ۲۵ سال گذشته، این کشور را به چهارمین قدرت اقتصادی جهان تبدیل کرده است.

زمانی که «دنگ شیائو پینگ» معمار اصلاحات چین طرح اصلاحات و سیاست درهای باز را در سال ۱۹۷۸ میلادی در چین اجرا کرد، کمتر فردی گمان می‌کرد کشوری با بیشتر از یک میلیارد جمعیت در حدود دو دهه به

چین جایگاهی دست یابد. به گزارش ایرنا تازه‌ترین بررسی‌های بانک جهانی نشانگر آن است که چین با پشت سر گذاشتن انگلستان، به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است. آمار نشان می‌دهد که ارزش رشد اقتصادی چین در سال گذشته

میلادی بیشتر از دو هزار میلیارد دلار بوده‌است که در واقع ۹۴میلیون دلار بیشتر از انگلستان است. در واقع چین سال گذشته میلادی در زمینه ارزش تولیدناخالص داخلی از انگلستان پیشی گرفت و اکنون در رتبه ذخایر ارزی با داشتن بیشتر از ۹۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی، در رتبه نخست جهان قرار گرفته است.

اگرچه چین در زمینه‌های تجاری مانع‌اتی با آمریکا و اروپا دارد، اما این مساله هنوز ساختار رو به رشد اقتصاد چین را متزلزل نکرده است.

پیوند اقتصاد قدرت‌های بزرگ جهان همچون ژاپن و آمریکا و کشورهای اروپایی با چین، به گونه‌ای است که

دلار آمریکا، نمادی از اقتصاد جهانی